

استفاده از بیمه در کشورهای غیر اسلامی

فضل غنی مجددی

جنوری 2015

مقدمه :

چندی قبل با برادر عزیز عبدالقادر نوری مدیر و صاحب شرکت بیمه نوری گفتگو دوستانه داشتم و جناب شان از انواع بیمه که در ولایات متحده امریکا است معلومات کافی ارائه نمودند . در جریان گفتگو باین نتیجه رسیدیم که تعدادی از هموطنان عزیز با انواع و اقسام بیمه به علت و اسباب اینکه بیمه مخالف قوانین اسلام است مخالفت دارند و از قوانین و امتیازات بیمه در کشور های غیر اسلامی عموماً و امریکا خصوصاً استفاده نمی کنند .

اگر قوانین اکثر مراکز اسلامی را بدقت مطالعه نمائیم ملاحظه میشود که در بسا موارد از اصول بیمه اقتباس شده مثلاً گرفتن قرضه از بانکها جهت تعمیر مساجد و مراکز اسلامی و خریدن زمین برای قبرستان قانون دفن میت و بیمه مسجد و عاملین آن و غیره .

مسلمانان نظر به ضرورت و احتیاج و طبق قوانین در غرب مجبور به خریدن بیمه موتو ، بیمه منزل در مقابل حریق و زلزله و سیلاب ، بیمه صحتی و غیره میباشند . علت خریدن اقسام و انواع بیمه در کشور های غربی خصوصاً امریکا طبق قوانین کشور است و کشور های غربی برای اتباع خود و حتی کسانی که در آنجا زندگی دارند اجازه نمی دهد بدون بیمه باشند و اگر بیمه نداشته باشند مطابق قانون مجازات می شود . قانون جدی بیمه صحتی در امریکا برای کسانی که بیمه صحتی را در سال 2016 نداشته باشند برای هر شخص (695) دالر و برای هر طفل زیر سن 18 (345.50) دالر و برای هر فامیل زیادتر از (2085) دالر جریمه تعیین کرده است .

(مرجع COVERDE CALIFORNIA) .

معاملات اقتصادی و مالی با مؤسسات اقتصادی و مالی در غرب، داشتن کریدت کارت و کارکردن در مؤسساتی که باساس سود معامله دارند و ضرورت و مجبور بودن مسلمانان به داشتن حساب جاری و پس انداز در بانک برای رفع مشکلات روزمره نیز یکی از موضوعاتی است که قابل بحث و تحقیق میباشد و عده‌ای از مسلمانان میخواهند حکم جواز و عدم جواز آنرا بدانند.

نظر به مشکلات هموطنان عزیز از مدتی باین طرف در مسائل اقتصادی و مالی و بیمه و ارتباط داشتن با بانکها در کشورهای غیر اسلامی بحث و تحقیق نمودم و رساله کوچک را در مسائل زندگی مسلمانان در غرب و حل مشکلات شان تحت عنوان: **(فقه اقلیت‌های اسلامی در غرب)** و همچنان کتاب بنام «فتوای معاصر» را در شش صد و پنجاه صفحه به طبع رساندم که نظر به ضرورت هموطنان عزیز تا حال سه بار به طبع رسیده است.

در قسمت اول این تحقیق مختصرا نظر علمای اسلام را در مورد زندگی و اقامت و مهاجرت مسلمانان را در غرب به بحث می‌گیریم تا فهمیده شود که قوانین اسلام برای مسلمانان اجازه اقامت و زندگی دائمی را در کشورهای غرب مسیحی میدهد یا خیرا؟ و اگر میدهد به کدام شروط و اگر نمی‌دهد به کدام دلیل.

در قسمت دوم نظر فقهای اسلام را در موضوع معاملات اقتصادی و حسابات پس انداز و گرفتن قرضه از بانک و خریدن منزل و تجارت با سود از بانک و یا مؤسسات مالی دیگر به بحث می‌گیریم و در قسمت سوم اقسام بیمه بررسی می‌شود و در این قسمت با تمام امانت نظر

موافق و مخالف علمای قدیم و معاصر را در مورد بیمه آورده تا خوانندگان گرامی به نظریات متفاوت که یکی از امتیازات فقه اسلامی است آشنائی بیشتر داشته باشند. یکی از خصوصیات و امتیاز فقه اسلامی در اختلافات فکری بین فقهاء است و نظریات مختلف چه موافق و مخالف و چه شدید و چه آسان و ساده محقق را به واقعیت های زندگی بیشتر کمک می کند و برای دانشمندان و محققین جوان کشور عزیز ما مطالعه نظریات و آراء موافق و مخالف یکی از ضروریات مهم برای تحقیق است.

در قسمت اخیر برنامه های مختلف بیمه را که توسط آقای نوری آماده شده تحت عنوان « زندگی را چگونه میتوان با امتیازات بهتر و مفید برای شما تغییر داد » تقدیم میشود و امید است مطالعه ای آن برای هموطنان عزیز مفید باشد.

میتوان با استفاده از نظریه علمای کرام خصوصا علمای معاصر جهان اسلام مشکلات بزرگ جامعه مهاجر افغانی را در امور قبرستان و تعمیر مساجد و خریدن منزل تا اندازه رفع نمود خصوصا دفن اموات و مصارف قبرستان که برای یک وقت معین و تحت شرایط خاص توسط بزرگان با مسئولیت تدوین و ترتیب شده بود و زحمت های شان قابل تقدیر و قدر است در آن تجدید نظر کرد و از وسائل جدید بشرطیکه مخالف شرع نباشد استفاده کرد و در این راستا دانستن و فهم نظریات فقهاء قدیم و معاصر در موضوع اقامت مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی ما را کمک بیشتر می نماید.

این بحث کوچک را به بخدمت دانشمندان و بزرگان جامعه افغانی تقدیم می‌دارم و امید دارم تا نظریات و انتقادات و اصلاحاتی که لازم است بفرستند تا در طبع‌های آینده از نظریات علمی و انتقادات مفید شان استفاده شود و همچنان باید واضح باشد که این بحث یک تمهید یا مقدمه برای یک بحث طویل و مفصل می‌تواند باشد و دانشمندان جوان کشور عزیز ما آنرا تکمیل نمایند و نظریات مفید تر را بیاورند.

زندگی و اقامت بطور دائمی در کشورهای غیر اسلامی بین نظریات فقهی و واقعیت های معاصر

آیا مسلمان میتواند در کشورهای غیر اسلامی زندگی نماید؟
فقهها در مسأله اقامت یا زندگی مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی
که قانون اسلام در آنجا تطبیق نمیشود تحقیقات زیاد نموده اند و در
مقدمه دو موضوع مهم را به تفصیل بیشتر بحث میکنند: عدم جواز و
جواز.

اول: عدم جواز:

با اینکه سه قرن اول اسلام به شهادت تاریخ از بهترین دوره درخشان
فقه اسلامی میباشد. فقههای این دوره انتظار نداشتند که فرد مسلمان
از دارالاسلام به دارالحرب مهاجرت و در آنجا اقامت اختیار نماید
با آنها مسائل فقهی را پیشبین و نظریه فقهی را ارائه نمودند. فقهاء
در گذشته به مسائل فقه اقلیتهای غیر مسلمان در کشورهای اسلامی
توجه زیادی نمودند تا حقوق غیر مسلمانان یعنی «اهل ذمه» را که
امروز بنام اقلیت های غیر مسلمان در کشورهای اسلامی یاد
میشوند حفظ نمایند و درین راستا به موفقیت های زیادی دست یافتند
که مسلمانان مرهون خدمات شان نباشند و فقه اسلامی در نتیجه
اجتهادات علمی مجتهدین یکی از غنی ترین قوانین در بین قوانین
مدنی جهان بحساب میآید.

استاد فهمی هویدی از نویسندگان بزرگ و معروف خط وسط اسلامی
در تحقیق خود بنام (**فقه الأقلیات المسلمة** * فقه اقلیتهای مسلمان)

که بتاريخ 1995/1/7 مجله (المجلة) عدد 777 و عدد 826 به تاريخ 1995/12/16 در موضوع زندگي دائمي مسلمانان در غرب يعني کشورهاي غير اسلامي مي نويسد : مسأله اقليتهای مسلمان در کشورهای غير اسلامي بعد از خروج مسلمانان از اندلس (اسپانيا) و جزيره سيسلي (Sicily) در ایتالیا در قرن شانزدهم ميلادي مورد بحث قرار گرفت. بعد از اينکه مسلمانان اين دو کشور را ترک نمودند يک اقليت مسلمان در آنجا باقی ماند . اين اقليت مسلمان در آنجا تعذيب شدند و اروپائي ها محاکم خاص برای محکمه مسلمانان تشکيل دادند و مظالم اروپا نسبت به مسلمانان در قرن شانزدهم نقطه عار در جبين غرب است . مسلمانان اين دو کشور « اندلس و جزيره سيسلي » از علمای اسلام در مغرب در موضوع اقامت خود فتوا خواستند . علمای مغرب دو راه را برای مسلمانان پيشنهاد کردند :

اول عودت و بازگشت به کشورهای اسلامي و ترک اندلس و جزيره سيسلي . دوم اقامت با صبر و کوشش تا با مردم و محيط و زندگي جديد عادت کرد و اگر اين امر ممکن نباشد دين خود را کتمان کنند يعني دين و عقیده خود را پنهان سازند .

در کنفرانس لندن در سال 1992 که تحت عنوان (**المسلمون في الغرب** * مسلمانان در غرب) بود محققين و علمای اسلامي در مسائل قانوني و فقهی , اقامت و زندگي نمودن مسلمانان در کشورهای هاي غربي مسائل زيادی را به بحث گرفتند و هر يک از علما يکی از مشکلات قانوني و فقهی را مطرح و بحث کردند . از ميان تحقيقاتی که در اين کنفرانس مطرح شد , تحقيق استاد الشيخ محمد المختار السلامي تحت عنوان (**الاقليات الإسلامية في المجتمعات الغربية** * اقليت های

اسلامی در جوامع غربی) بود. استاد السلامی در تحقیق خود نظریات فقهای عصر دوم و سوم اسلامی را در مورد اقامت مسلمان در کشورهای غربی که بنام دارالحراب یاد میشود جمع و بررسی کرد:

1. مسلمان در اقامت خود در کشور غیر اسلامی اگر به دین و مال و جان و شرف خود امنیت احساس نمیکند و قدرت هجرت یا عودت یا مسافرت را دارد و میتواند به کشور اسلامی برگردد درین حالت اقامت وی در کشور غیر اسلامی حرام است.
2. اقامت در کشوری که تحت حکم غیر مسلمین است و نظام سیاسی آن با اساس آزادی دینی و احترام حقوق انسان میباشد لیکن بالای مسلمانان احکام غیر اسلامی تطبیق میگردد چنانکه این حالت اکنون در کشورهای غربی موجود است.

در مورد حکم اقامت مسلمانان که قدرت مهاجرت دارند فقهاء اختلاف نظر دارند. امام مالک اقامت مسلمانان را درین گونه کشورها به شدت مکروه می داند و بدین نظر است که باید مسلمان از آنجا مهاجرت نماید. گروهی دیگر از فقهاء حکم به حرمت میدهند و آن را حرام می خوانند به دلیل اینکه حکم خدا و رسول او صلی الله علیه وسلم در مسائل قضایی بر مسلمانان اجرا نمی شود. مسلمانان باید آنجا را ترک کنند و به دارالاسلام برگردند. (الشرق الاوسط، العدد 5431، 11 / 10 / 1993).

علمای حنبلی در مورد اقامت مسلمان در کشورهای غیر اسلامی باین نظر اند: اگر مسلمان بر اظهار دین خود در دار کفر قدرت داشت یعنی

قدرت اظهار عقیده خود را به صراحت و آزادی کامل داشت از سنت است که به دار اسلام هجرت کند تا بتواند در جهاد شرکت و تعداد مسلمانان زیاد شود .

استاذ سعید حوی در کتاب خود بنام (اسلام شناسی) که آنرا فضل من الله فضلی به دری ترجمه نموده است در مورد حکم و نظریه علمای حنبلی می نویسد : از این معلوم میشود که در صورت قدرت مسلمان بر اظهار دینش هجرت سنت است ولی اگر از اظهار دین خود عاجز و در محلی بود که کفر و بدعت های گمراه کننده بر آن حاکمیت داشت به نحوی که مانع اظهار واجبات او میگردد و یا می ترسید که اولاده اش گمراه می شوند درین حالات بروی فرض است که هجرت کند . (إن الذین توفاهم الملائكة ظالمی أنفسهم قالوا : فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الأرض قالوا ألم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها فأولئک ما واهم جهنم و ساءت مصیرا * إلا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان لا یستطیعون حيلة و لا یهدون سبیلا * فأولئک عسی الله أن یعفو عنهم / النساء : 97 - 99).

ترجمه : (بدرستی آنانکه میرانیدند ایشان را فرشتگان در حالیکه بر خود ستمگاران بودند گفتند : درچه حالی بودید ؟ گفتند : بودیم بیچارگان در زمین گفتند : آیا زمین خدا فراخ نبود تا در آن هجرت میکردید پس ایشان جایگاه شان دوزخ است آن بد جای است مگر آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند و هیچ راه نمی یابند پس آن جماعت نزدیک است که خدا عفو کند از ایشان .)

و احناف گفته اند هجرت از دار کفر و دار بدعت بدار اسلام واجب است.

دوم : جواز :

در مورد اقامت مسلمان در کشور های غربی نظریات فقهای متأخر اسلامی با نظریات فقهای عصر دوم، سوم و چهارم اسلامی متفاوت است. علت تفاوت بین نظریات و آراء قدیم و معاصر را علما قاعده فقهی : تغییر فتوا در تغییر زمان و مکان و شخص و حالات متفاوت میدانند و میگویند شرایط زمان و مکان و اشخاص و حتی شرایط سیاسی و اقتصادی کشور های اسلامی و غیر اسلامی نسبت به سابق تغییر نموده و به اساس تغییرات که در ساحت سیاسی و اجتماعی صورت گرفته حکم اقامت فرد مسلمان در کشور های غربی نیز نسبت به گذشته تفاوت میکند. استاد فهمی هویدی در این مورد می نویسد:

فتوا های که علما قرن شانزدهم و هفدهم میلادی برای مسلمانان در غرب دادند امروز قابل تطبیق نیست زیرا حالت مسلمانان امروز نسبت به قرن شانزدهم و هفدهم تفاوت میکند و امروز مسلمانان به اختیار و اراده آزاد میتوانند در غرب زندگی نمایند و یا کشور هایی غربی را ترک کنند. پس مسأله اقامت مسلمان در کشور های غربی حکم جدید را میخواهد و علماء معاصر در مورد زندگی و اقامت مسلمانان در غرب فتوا های معاصر را صادر کرده اند که به اساس آن زندگی معاصر مسلمانان در غرب آسان و ساده شده است.

علمای معاصر نظر دارند که در فقه اسلامی در جواز یک امر شرعی که در آن نص ثابت نباشد به اجتهاد حکم میشود و « ضرورت و احتیاج »

دو موضوع اصلی اجتهاد از امور مهمی فقهی در صدور حکم میباشد. فقهاء باین نظر اند که ضرورت بالاتر از احتیاج است. مصطفی الزرقا که از مجتهدین معاصر در مذهب حنفی است در کتاب خود (فتاوی) در باب ضرورت و حاجت می نویسد : در فقه، رخصت یا اجازه یک حکم استثنائی مقید به حالت اضطراری و احتیاج آن میباشد و زمانی که حاجت به منزلت ضرورت برسد رخصت یا اجازه آن بدرجه مباح است نه بدرجه واجب .

استاد فهمی هویدی در بحث خود که قبلا به آن اشاره شد در مورد مسأله فقهی موضوع اقامت مسلمان در کشور غیر اسلامی می نویسد : در عدم وجود احکام فقهی که بتوانیم باساس آن حکم صادر کنیم لیکن مبادی اساسی که در دست داریم وظیفه ما را قدری آسانتر میسازد که میتوان در بین مبادی و اصول دست داشته از دو مبادی یاد کرد :

- مبدأ مصلحت که وزن میکند بین مصلحت و مفسد و رهنمائی نمودن به مصلحت و ترجیح بین دو مصلحت و دو مفسده و قبول مفسده کوچک بصورت مؤقت تا از یک مفسده بزرگ جلوگیری شود و این خفیف ترین ضرر میباشد و اجماع درین است که دفع مفسد مقدم تر است نسبت به جلب مصلحت.
- مبدأ قبول زندگی مسالمت آمیز تا زمانی که مسلمانان در دین شان فتنه پیش نشود و یا تا زمانی که از آنجا یعنی غرب مسیحی اخراج ساخته نشوند به عبارت دیگر اگر حقوق

مسلمانان و کرامت شان حفظ و برای شان امکان زندگانی در جوامع غیر اسلامی میسر باشد مثل که در ایالات متحده امریکا، کانادا و بعضی کشور های اروپائی است، پس از مصلحت اسلام است تا مسلمانان در آنجا زندگانی داشته باشند تا نمونه از اسلام باشند و همچنان از مصلحت دعوت اسلامی است که مسلمانان در بین غیر مسلمانان زندگی نمایند. دلایل ذکر شده مسأله مصلحت را نسبت به هر موضوع دیگر رحمت میدهد زیرا موجود بودن مسلمانان در جهان غرب چانس خوبی برای تبلیغ و نشر اسلام است. (المجله، عدد 777، 1995/1/7).

استاد فهمی هویدی اضافه می کند و می نویسد: کشور های اسلامی زیادی موجود است و الحمدلله تعداد مسلمانان در کشور های اسلامی بسیار زیاد است لیکن موجودیت مسلمانان در کشور های غربی برای اسلام و مسلمانان مفید میباشد و نصیحتم برای مسلمانان در کشور های غربی این است که با جامعه بزرگ غربی زندگی داشته باشند و کوشش نکنند که خارج از جامعه زندگانی نمایند مثلیکه مسلمانان هندوستان و پاکستان در انگلستان می خواهند پارلمان خاص برای خود داشته باشند. استاد فهمی در باب فتوای علمای مغرب برای مسلمانان در قرن شانزدهم (مسلمانان مقیم اندلس - اسپانیا - و ایتالیا) می گوید که فتوا برای زمان خاص و شرائط خاصی بود و قاعده اساسی و ثابت در فقه نمیشد و لازم نیست که از آن امروز استفاده نمود بدلیل اینکه شرائط زمان و مکان و حتی شرائط سیاسی جهان تفاوت نموده است و امروز مسلمانان ضرورت و احتیاج به فتوای جدید دارند.

در روشنی قواعد فقهی که در بالا ذکر شد ، علامه دکتور یوسف القرضاوی در کتاب خود بنام (أولیات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة) تحت عنوان : ضرورة الوجود الإسلامی فی بلاد الغرب * ضرورت موجودیت اسلامی در کشورهای غربی می نویسد :

من به این باورم که موجودیت اسلام در جوامع غربی یک ضرورت اسلامی است تا در سیاست جهانی از خود اثر بگذارد .
وجود اسلام یا موجودیت مسلمانان در اروپا و آمریکا و استرالیا از جوانب ذیل یک ضرورت اسلامی محسوب می شود :

1. ضرورت برای تبلیغ اسلام و بلند کردن صدای اسلام و دعوت غیر مسلمانان به اسلام از راه مناقشه بصورت پسندیده و خوب و حسنه .
2. ضرورت برای حفظ عقاید مسلمانان جدید و نموی عقیده اسلامی در دل‌هایشان تا در پرتو احکام اسلامی زندگی نمایند .
3. ضرورت برای استقبال و پذیرایی مهاجرین جدید و کمک به آنها مانند نقش انصار در کمک به مهاجرین .
4. ضرورت برای دفاع از قضایای امت اسلام و خاک اسلام در مقابل تبلیغات سوء .

از نوشته دکتور القرضاوی اینطور استنباط می‌گردد که خلاف نظریه فقهاء سابق که ضرورت وجود اسلامی را در جهان غرب لازم نمیدانستند علمای معاصر در نتیجه تغییراتی که در اوضاع اجتماعی

و سیاسی در جهان غرب پیش آمده وجود مسلمانان را در جهان غرب یک ضرورت اسلامی میدانند .

فقه‌های معاصر فقط به ضرورت امر اکتفاء نکرده بلکه مسلمانان را متوجه واجبات شان نیز می سازند به این معنی که تنها نباید هدف مسلمان زندگی نمودن در کشورهای غربی باشد بلکه اقامت در کشور غیر اسلامی واجبات خاصی را نیز دارد که القرضای آنرا به پنج واجب خلاصه می کند:

1. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت بخودش : تا خود را از فساد جامعه حفظ نماید .
2. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به خانواده اش : تا خانواده خود را از ذوبان یعنی آب شدن در جامعه غربی حفظ نماید .
3. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به برادران مسلمان اش : تا با ایشان به اتحاد و اتفاق زندگانی نماید و همه باید مانند جسد واحد باشند .
4. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به افراد جامعه غیر از مسلمانان : تا ایشان را با حکمت و موعظه حسنه دعوت نماید .
5. وجوب مسئولیت مهاجر مسلمان نسبت به قضایای امت اسلامی : یعنی باید به قضایای اسلام اهتمام داشته باشد و در موفقیت آن تپ و تلاش نماید .

باساس مسئولیت پنجم مسلمانان وظیفه دارند که در دفاع از حقوق مسلمانان با هم همکاری داشته باشند . داشتن تابعیت کشورهای

غربی به مسلمانان اجازه میدهد تا با پارلمانهای کشورهای غربی به تماس شده و ایشانرا متوجه خطرات آینده سازند و از نمایندگان پارلمانها دعوت نمایند تا در اخراج قوای کشورهایشان از سرزمینهای اسلامی توجه نمایند. اگر مسلمان بعد از گرفتن تابعیت در مسائل و قضایای اسلامی و مسلمانان بیطرف باقی می ماند، اقامتشان در کشورهای غربی جواز ندارد.

نظر به قاعده « ضرورت » و معرفی واجبات مسلمانان در کشورهای غربی فقهاء و علما مسلمانان را متوجه دو موضوع مهم می سازند :

- دوری گزیدن از تعصبات منطوقی و نژادی که متأسفانه این اصل نادیده گرفته شده و مسلمانان در کشورهای غربی مشکلات نژادی و منطوقی خود را از کشور اصلی خود به کشورهای غربی انتقال داده اند.

- عدم تشدد و افراط و برپا ساختن اختلافات در مسائل جزئی. متأسفانه مسلمانان اختلافات جزئی که در فقه مذاهب موجود بود آنها را با خود در سرزمین جدید آوردند. بر مسلمانان لازم است تا درک کنند که سرزمین جدید مشکلات آن غیر از وطن اصلی اسلامی است و روش زندگی در غرب تفاوت زیاد با روش زندگی در شرق اسلامی دارد و باساس همین تغییرات است که علماء به قاعده اساسی فقهی : فتوی به تغییر زمان و مکان و حالات مردم تغییر

میکند و نباید مسائل جزئی را که در کشور خود
تطبیق می‌کردیم مردم را به تطبیق آن در کشور های
غربی مجبور سازیم . (القرضاوی مرجع سابق، ص:
153, 154 و 155) .

نظر به احکام فقهی که در باب اقامت مسلمانان در کشور های غیر
اسلامی آورده شد لازم دیده میشود تا چند فتوا را به حیث نمونه ذکر
کر تا قضیه بهتر روشن و واضح گردد.
دکتور یوسف القرضاوی در جواب گرفتن تابعیت امریکا و اقامت در
کشور های اسلامی این فتوا را صادر میدهد :

گرفتن تابعیت امریکا برای مسلمانان نه تنها که گناه نمی باشد بلکه
یک ضرورت نیز است زیرا داشتن تابعیت برای فرد مسلمان اجازه
میدهد تا از عقیده اسلامی در جامعه امریکائی دفاع کند و در
انتخابات اشتراک نموده برای دین و مسلمانان مفید واقع شود چون
تابعیت امریکا برای مسلمان و اسلام در عصر حاضر مفید است، پس
باید مسلمان از آن استفاده خوب نماید . (فتاوی معاصر) .

در کتاب (فتاوی للمسلم فی المغترب * فتاوی برای مسلمان در
غربت یعنی مهاجرت) در باب زندگی کردن در کشور های غربی و
گرفتن تابعیت آمده است:

برای مسلمان جواز نیست که تابعیت کشوری را بگیرد که حکومت آن
کافر باشد و نظر به حدیث شریف و اجماع مسلمین ، بر مسلمانان
واجب است که از کشور های کفر به کشور های اسلامی مهاجرت کنند.
لیکن اگر اهل علم و صاحبان بصیرت در بین مشرکین می باشند تا

ایشانرا به اسلام دعوت کنند و یا اینکه یک ضرورت و مصلحت دیگر باشد مانع در اقامت و زندگی نیست بشرطیکه سبب فتنه در دین مسلمان نشود .

شیخ عبدالله بن باز این حکم را میکند :
 اگر مسلمان خوف دارد که خودش و اولادش در جامعه غیر اسلامی متأثر می شوند و ممکن است اولاد ها تربیه فاسد شوند بهتر است به کشور خود عودت کند .

اگر به نص فتوای ذکر شده دقت کنیم ملاحظه میشود که نباید هدف از مسلمانان از اقامت در کشورهای غربی فرار از واقعیت های جوامع شرق اسلامی باشد و مسلمان نباید مسئولیت های اسلامی خود را فراموش نموده و شخصیت اسلامی خود را از دست بدهد و در جامعه غربی منحل گردد بلکه مسلمان باید در جامعه غربی با حفظ شخصیت اسلامی خود زندگانی کند و نمونه از اسلام باشد و با غیر مسلمانان در صلح و سلام و اخوت انسانی زندگی نماید و از خلق و ایجاد مشکلات برای مردم ابا و ورزد و از افراط و تفریط که به ضرر جامعه است دوری نماید و اعتدال را در دعوت و مسالمت را در زندگی اجتماعی رعایت نماید و با غیرمسلمانان در تمام مسائل شان اشتراک داشته باشد به عبارت دیگر در خوشی شان خوش و در غم شان غمگین باشد و با فقراء و محتاجین جامعه همکاری شود .

فقه اقلیتهای اسلامی در کشورهای غربی

یکی از مهمترین خصوصیت فقه اسلامی یا شریعت اسلامی تیسیر یعنی آسانی ساختن زندگی برای انسان است. شریعت اسلامی حرج و مشکلات را از مردم بر میدارد و یکی از اعوامل نشر اسلام در جامعه آسانی آن بود و است. علامه دکتور یوسف القرضاوی در کتاب خود بنام (مدخل لمعرفة الإسلام) می نویسد: «دین اسلام برای یک طبقه معین و خاص و برای عصر و زمان خاص و معین نیامده بلکه برای تمام مردم در زمانهای متفاوت و مختلف آمده است.

کسیکه اسلام را بدقت مطالعه نماید باین نتیجه میرسد که تمام تعلیمات اسلام در آن آسانی و تیسیر است. در قرآن کریم در آیات مختلف می خوانیم که خداوند انسانها را بالاتر از طاقت شان مکلف نمی سازد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در احادیث متعدد می فرماید که برای آسانی مبعوث شده است «إنما بعثتم میسرین و لم تبعثوا معسرین» و «یسروا و لا تعسروا، بشروا و لا تنفروا» آسانی سازید نه سختی و مردم را بشارت دهید و متنفر نسازد.

قاعده اساسی فقهی در تمام مذاهب این است «المشقة تجلب التیسیر» مشقت آسانی را جلب می کند. .

آسانی در شریعت و یا آسان ساختن شریعت باین معنی نیست که از اصول ثابت دین خارج شد و اجتهاد در مسائل ثابت در قرآن و سنت نیست بلکه اجتهاد در مسائلی است که تازه در جامعه بوجود می آید و مجتهدین کرام در روشنی آیات قرآن کریم و سنت نبوی و اجتهاد صحابه و نظر به ضرورت و احتیاج جامعه در حل و آسان ساختن مسائل اجتهاد می کنند. علمای اسلام در اوائل قرن بیستم به سؤالات

زیادی از طرف جامعه اسلامی در غرب مواجه گردیدند و مجبور شدند تا در مورد اقامت و زندگی مسلمانان در غرب بحث و تحقیق جدید نمایند و راه حل مشکلات مسلمانان را در غرب جستجو نمایند و در خلال تحقیق به این نتیجه رسیدند که مسلمانان در غرب به فقه جدید ضرورت دارند.

استاد فهمی هویدی در تحقیق خود بنام (**المسلمون بحاجة الى تأسيس فقه جديد * مسلمانان احتیاج به تأسیس فقه جدید دارند**) می نویسد: مسلمانان (در کشورهای غربی) ضرورت به تأسیس فقه جدید دارند تا با اجتهادات جدید زندگی را در کشورهای غیر اسلامی تنظیم و ادامه داده بتوانند. مسلمانان فقه کامل و شامل را در مسأله اقلیت های غیر مسلمان در کشورهای اسلامی بنام (فقه اهل الذمه) یاد می شدند دارند. اصطلاح اهل ذمه در مراحل تاریخی تغییر نمود. غیر از مسلمانان که در کشورهای اسلامی زندگی داشتند بنام (اهل ذمه) یعنی در حمایت اسلام و مسلمانان یاد میشدند و قوانین اهل ذمه برای حفظ حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی غیر مسلمانان در جامعه اسلامی بود. در عهد خلافت عثمانی اهل کتاب و اهل ذمه بنام (اهل الملل) یاد شد و در اوائل قرن بیستم فقهاء اصطلاح اقلیت های غیر اسلامی در کشورهای اسلامی را در امور قانونی و فقهی استعمال نمودند و به همین ترتیب اصطلاح اقلیت های اسلامی در کشورهای غیر اسلامی شایع گردید.

در تحقیق استاد فهمی هویدی آمده است که مسلمانان در غرب سؤالاتی دارند مثلاً: چطور باید از دین خود تعبیر کرد؟ آیا برایشان

و اجب است که به همه امور فقهی عمل نمایند یا به بعضی از آن؟ آیا به کدام اساس با غیر مسلمانان زندگی داشته باشند؟
 علامه دکتور یوسف القرضاوی در کتاب دیگر خود بنام (أولیات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة) عنوانی دارد بنام (حاجتنا إلى فقه جدید * حاجت ما به فقه جدید). القرضاوی در این بحث نظر استاد فهمی هویدی را تأیید و تقویت میکند. القرضاوی در مقدمه بحث خود فقه جدید را این طور تعریف میکند: مراد و مقصد از فقه جدید عبارت از کلمه (الفقه) که معنی آن معرفت احکام شرعی جزئی از ادله تفصیلی مثل احکام طهارت و نجاست و عبادات و معاملات و احکام ازدواج و طلاق و شیر خورگی و غیره نیست او اضافه نموده می نویسد: فقه در لغت قرآن فقه اصطلاحی نیست بل فقه در آیات الله و سنن او تعالی در کائنات و حیات و جامعه است.

القرضاوی در دو کتاب دیگر خود بنامهای (الصحة الإسلامية بین الجحود و التطرف و الصحة الإسلامية بین الاختلاف المشروع و التفرق المذموم) پنج نوع فقه را معرفی میکنند که دو نوع آن در فقه اقلیت های اسلامی در کشور های غربی اهمیت خاص را دارد که در جای اش معرفی می شود.

اگر به کتب قدیم مراجعت شود ملاحظه می شود که علماء و فقهاء در گذشته اهتمام بزرگ در حق اقلیت های غیر اسلامی در کشور های اسلامی داشتند و توجه خاص نظر به عدم ضرورت به فقه اقلیت های اسلامی در کشور های غربی نداشتند و نظریه علماء در آن زمان این بود که مسلمانان از کشور های غیر اسلامی به کشور های اسلامی مهاجرت نمایند و سبب این فتوا نیز تعذیب مسلمانان در جهان غرب

بود لیکن امروز شرائط اجتماعی و سیاسی در جهان تغییر نموده و مسلمان بسبب اینکه مسلمان است تعذیب نمیشود و محاکم خاصی که برای محاکمه مسلمانان در ایتالیا و اسپانیا تشکیل شده بود امروز وجود ندارد .

زندگی در غرب برای مسلمانان امروز یک واقعیت است و مسلمانان در غرب برای زندگی احتیاج به فقه جدید دارند تا در روشنی آن و اجتهادات مجتهدین زندگی خود را تنظیم نمایند . فقه جدید نباید در روشنی واقعیت های زندگی شرق اسلامی باشد و باید در روشنی واقعیت های زندگانی مسلمانان در غرب باشد . حقوق غیر مسلمانان در کشور های اسلامی مرجعیت آن ، اسلامی و دینی میباشد که قابل تغییر و تبدیل نیست در حالیکه حقوق مسلمانان در غرب مرجعیت آن دنیوی است که هر روز و شب قابل تغییر است . علمای اسلام موقف معتدل را در مقابل قوانین اجتماعی و خانوادگی جدید در اروپا گرفتند و مسلمانان را از مقاومت فزینگی و موقف شدت در جوامع غربی منع نمودند و از مسلمانان دعوت کردند تا مصلحت اسلام را بالاتر از همه مصالح بدانند و عملی را انجام ندهند که به ضرر اسلام و مسلمین تمام شود .

مشکلات مسلمانان را از ناحیه فقهی در اواخر قرن بیستم مجامع فقهی به بحث گرفت و فقهاء برای حل مشکلات مسلمانان در جهان غیر اسلامی فیصله های مفید را صادر کردند . در امریکا مرکز اسلامی لاس انجلس که علمای جید در آن مانند دکتور فتحی عثمان و داکتر حسان ماهر و داکتر حتوت در مورد (فقه اقلیت های اسلامی) بحث را آغاز نمودند و در مورد اجتهادات فقهی در مساله التزام کامل

یعنی پابندی کامل مسلمان به اسلام و زندگی با کفار در کشور غیر اسلامی که آغاز نشأت فقه جدید است از علمای کرام مشوره گرفتند و کنفرانسهای درین مورد انعقاد یافت. متأسفانه کار عملی این مرکز توسط گروهی از مسلمانان متشدد به تعویق افتاد.

استاد هویدی می نویسد که با علمای بزرگ در مورد فقه اقلیت های اسلامی مشوره و مناقشه نمودم و ملاحظه نمودم که همه در مسأله تأسیس و تدوین فقه جدید برای مسلمانان در غرب متفق نظر اند و به اجماع به دو نقطه توجه خاص دارند: اقلیت های اسلامی به دو امر اساسی باید تمسک و پابندی داشته باشند: اداء فرائض و تکالیف دینی و عدم توجه به اموری که متعارض است به اوامر و نواهی ثابت شرعا (قطعیه الثبوت و قطعیه الدلالتة). و اضافه نمودند که حکم ضرورت در تمام احوال باقی است (من اضطر غیر باغ ولا عاد فلا اثم علیه). (المجله عدد 826 – 1995/12/16).

علمای معاصر در نتیجه تغییراتی که در روش زندگی مسلمانان در کشورهای غربی پیش آمد و مسلمانان در زندگی معاصر در کشور های غیر اسلامی به مشکلات جدید که در زندگی شان وجود نداشت مواجه شدند. دانشمندان بزرگ جهان اسلام در روشنی نصوص شرعی و نظریات فقه های عصرهای گذشته و نظریات امامان مذاهب اسلامی و مجتهدین عالی مقام برای حل مشکلات مسلمانان در جهان غرب بیک سلسله اقدامات علمی و فقهی و اجتهادی دست بکار شده به اساس قاعده فقهی: الضرورات تبیح المحظورات (ضرورت ها آنچه ممنوع است مباح میسازد) و به اساس نظریه امام ابو حنیفه که جهان را به دارالحراب و دارالاسلام تقسیم نموده فقه جدید را بنام (فقه

اقلیتهای اسلامی در کشورهای غیر اسلامی (زیر بحث گرفتند و در این باب بحث‌های مفید صورت گرفت و عنقریب مسلمانان شاهد فقه جدید بنام «اقلیت‌های اسلامی در جهان غیر اسلامی» خواهند بود .

در عصر معاصر مدرسه جدید فقهی بنام (تیسیر الفقه یا فقه التیسیر * فقه آسان و یا آسانی فقه) تأسیس شد . مؤسس این مدرسه جدید فقهی علامه دکتور یوسف القرضاوی است . دکتور یوسف القرضاوی می‌گوید که نظریه فقه آسان را مرحوم علامه محمد الغزالی و سائر امامان معاصر تقویت کردند و امروز فقه آسان در ساحه اسلامی قابل تطبیق است و مشکلات معاصر مسلمانان را حل و فصل میکند .

فقه واقعی مدرسه فکری بزرگ فقهی معاصر است و در زندگی مسلمانان در جامعه غربی مورد تطبیق و اجراء میباشد و علمای اسلامی در غرب از فقه واقعی در حل مشکلات مسلمانان استفاده می‌کنند . علت تطبیق فقه واقعی آنست که واقعیت‌های زندگانی در جامعه اسلامی غیر واقعیت‌های است که مسلمانان بدان در جامعه غربی مواجه و یا رو برو میباشند و همچنان یک امر در یک زمان واقعی بوده و در زمان دیگر غیر واقعی تلقی میگردد .

القرضاوی در بحث خود تحت عنوان فقه واقعی ، این فقه را چنین تعریف میکند : فقه واقعی ، مبنی به مطالعه و بررسی واقعیت‌های زندگانی مردم میباشد بشرطیکه تمام جوانب حیات و موضوعات آنرا بررسی دقیق نماید و در بحث و بررسی واقعیت‌های زندگانی مردم باید از معلومات صحیح و احصائیه‌های دقیق استفاده نمود و از

گفتار بدون دلیل و غیر مستند و از احصائیات غیر دقیق و بدون دلیل باید اجتناب و دوری کرد.

القرضاوی برای رسیدن به نتایج سلیم و مفید، فقه اقلیتهای اسلامی را جمع بین فقه شرعی و فقه واقعی یعنی واقعیت های زندگانی مردم میداند. او اضافه میکند جمع بین فقه شرعی و فقه واقعی میتوان به سؤالات ذیل جواب داد:

- آیا میتوانیم مؤسسات اقتصادی اسلامی را در تحت شرایط اقتصادی که باساس سود معامله میشود داشته باشیم؟
- آیا شخص مسلمان میتواند در بانکهای که باساس سود معامله دارند کار کند؟
- آیا میتوانیم با احزاب غیر اسلامی اتحاد کنیم؟
- آیا میتوانیم در حکومتی که اسلامی خالص نیست و قانون آن هم اسلامی خالص نیست همکاری نمائیم؟ (اولولیات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة، ص: 30 - 31 - 32).

صلح الحدیبیة بهترین مثال از فقه واقعی است. در این صلح رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مصالح و آینده دعوت اسلام و مسلمانان را نسبت به حال و حاضر برتری داد و شروطی که مشرکین گذاشتند همه را قبول نمودند و عده باین عقیده بودند که صلح الحدیبیة به ضرر اسلام و مسلمانان اما قرآن صلح الحدیبیة نصر مبین یاد کرد.

در سال گرسنگی حضرت عمر حاضر نشد دست دزد را قطع نماید زیرا سبب دزدی گرسنگی بود و خلیفه واقعیت امر را مد نظر داشت. همچنان فقه مصلحت که بنام فقه حضرت عمر رضی الله عنه نیز یاد

میشود در حل مشکلات مسلمانان در جامعه غربی کمک زیاد می نماید. برای توضیح فقه مصلحت این مثال را می آوریم: حضرت عمر در فتح عراق با نظر صحابه مخالفت کرد و حاضر نشد اراضی عراق را بین فاتحین که در حیات رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تقسیم میشد تقسیم نماید. فاتحین به خلیفه گفتند: شما مخالف نص صریح عمل می کنید؟ حضرت عمر جواب داد نه خیر! من موافق به مصلحت مسلمانان عمل میکنم و از مصلحت اسلام و مسلمانان است که زمین های فتح شده به صاحبان اصلی آن گذاشته شود و در مقابل (خراج) مالیه تعیین گردد و در بدل تقسیم اراضی دولت از صاحبان اصلی آن مالیه بنام خراج بگیرد.

در فقه جدید و معاصر دو باب مهم را فقهای معاصر در روشنی آراء و نظریات فقهاء و امامان بزرگ فقهی معرفی میکنند:

اول: فقه الموازنات.

دوم: فقه الأولیات.

فقه موازنه را امام القرضاوی اینطور بیان میکند:

1. موازنه یا وزن نمودن مصالح با مصالح دیگر از باب وسعت و حجم و عمق و تأثیر و ادامه و بقای آن.
2. موازنه بین مفاسد و مفاسد، مثل موازنه یا میزان کردن بین مصالح و مصالح.
3. موازنه بین مصالح و مفاسد تا بدانیم که چه وقت برای جلب مصالح دروازه مفاسد را بسته نمائیم و بر عکس آن.

دوم: فقه اولویات: فقه اولویات معنی آن اینست که هر چیز را بجایش و مرتبت اش قرار داد و آنچه باید در مقدمه باشد نباید در مؤخره جا داد و نباید یک امر کوچک را بزرگ و یک امر بزرگ را کوچک دانست. (القرضاوی، مرجع سابق).

مثال فقه اولویات را در سیرت نبی الله صلی الله علیه وسلم مطالعه میکنیم. در عهد مکی یعنی قبل از هجرت اولویت نزد آنحضرت تربیه ایمانی و غرس عقیده توحید و مسائل اخلاقی بود. در این مرحله رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمانان را امر به شکستن بت ها و جهاد نکرد.

مسلمانان نیز در فقه اولویات در کشور های غربی باید از سیرت نبی صلی الله علیه وسلم استفاده نمایند و لازم است در روش دعوت عصر مکی از جدید و باساس علمی و تاریخی مطالعه شود.

فقه اولویات یا اولی و فقه موازنه در زندگی مهاجرین افغانستان اصلا قابل بحث نیست. بطور مثال تمام برنامه هایی افغانی ضرورت و احتیاج مهاجرین افغان را در کشور های غیر اسلامی مد نظر ندارند و واقعیت های زندگی جدید را از نظر دور انداخته اند و افغانها را مشغول امور ثانوی و مشغول مشکلات سیاسی و اجتماعی داخل افغانستان ساخته اند و حتی انجمن های افغانی و مراکز فرهنگی و اسلامی از این قاعده دور نیستند. بطور مثال در ساختن مساجد، باید مطالعه شود که جامعه مهاجر افغان در کدام شهر احتیاج به مسجد و در کدام منطقه احتیاج به قبرستان و در کدام جا احتیاج به مدرسه دارد و باید موازنه نمائیم که کدام یک از این برنامه ها

مشکلات ما را حل میکند. امید است بعد از مطالعه این دو نوع فقه بزرگان ما توجه بیشتر به زندگی مهاجرین در کشورهای غربی داشته باشند و برنامه های مراکز اسلامی و انجمن های فرهنگی باساس ضروریات جامعه افغانی در خارج از افغانستان تنظیم و ترتیب شود.

فقه اقتصاد :

در فقه اقتصادی و یا معاملات اقتصادی در کشورهای غیر اسلامی امام ابو حنیفه عصمت مال را اساس معامله اقتصادی میداند و باین نظر است : اگر مسلمان به دارالحرب (کشوری که تحت تصرف مسلمانان نیست و احکام اسلامی در آنجا اجرا نمی شود) قانونی داخل شود می تواند با سود معامله نماید چه با مسلمان مقیم در دارالحرب و چه با غیر مسلمان از اهل کشور غیر اسلامی . امام مالک و امام احمد و امام شافعی با نظر امام ابو حنیفه مخالفت دارند و میگویند که سود در اصل حرام است, در دار حرب و دار اسلام حرمت دارد و مسلمان حق ندارد به سود در دار حرب معامله نماید .

امام یوسف شخص دوم در مذهب حنفی نظریه استاد خود را کاملاً نفی نموده این اجازه را نمیدهد و میگوید سود در اسلام حرام بوده پس در دارالحرب و دارالاسلام حرمت دارد و با نظر سه امام دیگر چون امام مالک, احمد و شافعی یکجا میشود.

امام محمد که در اقتصاد اسلامی معلومات بیشتر داشت بین نظریه امام ابو حنیفه و امام یوسف توافق و جمع را آورده نظر میدهد که مسلمان در کشور غیر اسلامی میتواند با غیر مسلمان با سود معامله نماید و با مسلمان نمیتواند . (بدائع الصنائع, جلد هفتم, ص: 132).

نظریه امام ابو حنیفه و امام محمد امروز در فقه اقلیت‌های مسلمان در کشور های غربی قابل قبول واقع شده است و تمام علماء و فقهای معاصر در روشنی همین نظریه فتوا به معاملات اقتصادی مثل خرید خانه و گذاشتن پول در بانکها که باساس سود معامله دارند میدهند در حالیکه همین اجازه را برای مسلمانان در کشور های اسلامی نمی دهند و همچنان برای مسلمان مقیم در کشور اسلامی اجازه نمی دهند تا سرمایه های خود را در بانکهای خارجی به نیت مفاد بگذارند .

علمای بزرگ معاصر که در آغاز با نظریه امام ابو حنیفه شدیداً مخالفت داشتند بعد از تحقیق و مطالعه در اوضاع اجتماعی و اقتصادی یعنی واقعیت های زندگانی مسلمانان در کشور های غربی مجبور شدند به نظریه امام ابو حنیفه تسلیم شوند بطور مثال دکتوریوسف القرضاوی می گوید : من بیست سال فتوا دادم که خرید خانه در امریکا و اروپا باساس قرضه بانکی حرام مطلق است لیکن بعد از مطالعه و تحقیق دریافتم که از مصلحت مسلمان است تا یک خانه داشته باشد و بالآخره از نظر خود گذشتم و به نظر امام ابو حنیفه تسلیم شده فتوا دادم . (کسیت سخنرانی القرضاوی در کنفرانس اسلامی امریکا .)

تغییر فتوا که علامه القرضاوی از آن صحبت میکند باساس فقه واقعی است و مفتی باید باساس واقعیت های زندگی مردم فتوا بدهد و به همین دلیل است که علمای کرام فیصله نمودند تا مسلمانان در جهان غرب از علمای مقیم در غرب فتوا بخواهند و برای آسانی کار مسلمانان دار الافتاء ها در غرب تشکیل شد .

فقهاء باین نظر اند که در مسائل اسلامی باید در کشورهای غربی آسانترین نظریه فقهی گرفته و باسناد آن فتوا داده شود و نباید بالای مسلمانان در مسائل فقهی از شدت کار گرفته شود و در مسائل فقهی از فقه تیسیر که بنام فقه عبدالله بن عباس یاد میشود جانب داری میکنند و نظر میدهند که از تشدد عبدالله ابن عمر باید در کشورهای غربی دوری کرد.

بحث روی بیمه و استفاده از آن در کشورهای غیر اسلامی

بررسی و مطالعه نظریات علمای اسلام در موضوع زندگی مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی و تأسیس فقه اقلیت های اسلامی در غرب و فقه آسان و فقه مصلحت ما را در فهم بیشتر موضوع بیمه کمک میکند. بحث و تحقیق در موضوعات اسلامی معاصر، محققین را وادار می سازد تا به نصوص قدیم و نظریات علمای گذشته توجه عمیق داشته باشند و با استفاده از علوم قدیم و اجتهادات مجتهدین معاصر و فهم بیشتر به واقعیت های زندگی مردم در غرب بحث را برای حل مشکلات مسلمانان ادامه دهند.

این حرف صحیح نیست که نباید از کتب قدیم و نظریات علمای گذشته استفاده کرد. علمای عصر اول اسلام با اینکه مشکلات معاصر مسلمانان را نمی دانستند و حتی فکر آنرا نیز نمی کردند بآنهم نظریات بسیار مفید را پیش کردند که میتوان از آن در بحث های معاصر استفاده کرد. در این تحقیق نظریات علمای گذشته و معاصر به امانت آورده می شود تا دانشمندان جوان افغانستان از آن در تحقیقات خود استفاده نمایند.

قبل از داخل شدن به اصل موضوع (بیمه) بهتر خواهد بود تا با استفاده از فرهنگ اسلامی بیمه را تعریف نمود و یقین است که فهم بیشتر به تعریفات ما را به اصل موضوع نزدیکتر می سازد.

تعریف و نشأت بیمه :

بیمه در فرهنگ زبان عربی « التأمین » است و تأمین یعنی امن و امنیت را معنی میدهد. تضمین کردن و امن در فرهنگ زبان ضد خوف است. (ابن منظور « لسان العرب » جلد 13، ص : 21). نزد علمای قانون یا قانون دانان تأمین یک نظام تعاقدی است و هدف از آن ترمیم یا جبران ضرر که در نتیجه عوامل غیر مترقبه پیش می شود است. (دکتر محمد عثمان شبیر « المعاملات المالية المعاصرة فى الفقه الإسلامى » ص : 92 ، همچنان : علامه اساذ مصطفى احمد الزرقا « نظام التأمین » ص : 21).

بیمه در کشورهای اسلامی در اوائل قرن بیستم باساس قوانین مدنی غرب تنظیم شد. در ماده 747 قانون مدنی مصر در باب تأمین آمده : بیمه عقد یا معاهده است که به موجب آن طرف بیمه برای کسی که بیمه شده یک مبلغ را در حالت وقوع یک حادثه با اساس عقد امضاء شده بین طرفین می پردازد.

بیمه یا تجارتي یا شخصی ویا معنوی و ممکن است اجتماعی و تعاونی نیز باشد مثل بیمه حکومت برای معاش مامورین. در این تحقیق بیمه تجارتي و اقتصادی بحث نمی شود زیرا هدف از تحقیق بیمه فردی و تعاونی و اجتماعی است. در بین بیمه انفرادی یا فردی بیمه حیات نیز شامل است. بیمه حیات در زندگی معاصر مسلمانان یکی از موضوعات قابل بحث میباشد.

بیمه ای حیات : عده تصور کرده اند که بیمه حیات یعنی شرکت بیمه تضمین می کند که شخص بیمه شده نمی میرد و این یک تصور غلط و دور از حقیقت است. در این نوع بیمه شرکت بیمه تعهد می کند که در

حالت وفات شخص شرکت بیمه یک مبلغ معین که قبلاً بین طرفین قبول شده آنرا می پردازد و همچنان در حالت عاجز ماندن شخص از کار تا آخر حیات و یا برای مدت تعیین بیمه یک مبلغ معین و قبول شده را می پردازد و شخص بیمه شده مطابق قرار داد و موافقه با بیمه از این حق استفاده میکند و در حالت وفات اگر مدت قسط نیز تمام نشده باشد ورثه مستحق اخذ بیمه می باشد (البته به اساس قرارداد بین طرفین) .

بیمه ای مؤقت : بیمه ای مؤقت آنرا می گویند که شرکت بیمه برای شخص که غیر مستفید از بیمه باشد و وفات کند یک مبلغ را می پردازد .

شرکت بیمه در مقابل بیمه برای انسان بعد از مدت معین که در عقد ذکر شده یک مبلغ را می پردازد و اگر شخص قبل از نهایت مدت وفات میکند شرکت بیمه برای ورثه او مبلغ قبول شده را می دهد .

بیمه ای اجتماعی یا تعاونی : این نوع بیمه به هدف و غرض فائده و ریح نیست بلکه برای تحقق منفعت اجتماعی و مصلحت یک گروه و یا یک انجمن یا یک ملت است . (بیمه ای که مساجد افغانی برای قبرستان و دفن اموات در امریکا دارند با اینکه در عقد ذکر نگردیده تحت قانون بیمه اجتماعی و تعاونی می آید) .

عده ای از مسلمانان در اصل بیمه و قوانین آن از باب شرعی تشویش دارند . چرا ؟

1. مسأله توکل ، باین معنی که بیمه با اصل توکل در تضاد است.
2. مسأله غرر: یعنی قبول ضرر.
3. مسأله تعلیق . یعنی بیمه به آینده تعلق دارد نه به حال حاضر.
4. مسأله ربا یعنی سود .

نقاط فوق سبب عدم قبول بیمه نزد عده‌ای از مسلمانان شده است و برای بحث بیشتر بهتر است نقاط فوق الذکر را تفسیر و تحلیل کرد تا موضوع تشویش بیشتر روشن شود .

اول- توکل: توکل در فرهنگ زبان یعنی اظهار عجز و ناتوانی و اعتماد به خداوند نه به دیگران .

در شریعت توکل یعنی ایمان داشتن که خداوند سبحانه قدرت کامل را در توفیق و ناکامی انسان دارد .

در فرهنگ اسلامی آمادگی بودن و تنظیم امور زندگی برای آینده و استفاده از تجربه‌های انسانی و ساختن پلان برای آینده معنی آن عدم توکل نیست . بعض مردم توکل را به معنی تغافل یا غفلت گرفته اند و توکل معنی آن ترک اسباب و عمل نیست . (دکتور عباس

حسینی محمد « عقد التأمین فی الفقه الإسلام و القانون المقارن » ،
www.alukah.net/sharia/0/31787/) و قانون مصر بتاريخ 1048/7/16 نشر

شده در جریده ای رسمی بتاريخ 1948 7/ 29) .

در موضوع توکل باید به صراحت گفت که نظام بیمه به هدف احتیاط برای آینده مخالف عقیده توکل به خداوند که در قرآن کریم آماده نیست بلکه یک توکل صحیح بشرطیکه از حرام دور باشد است.

علمای قانون در مورد عقد بیمه باین نظر اند : عقد بیمه پرداخت مال ثابت و موجود در بدل یک مال معلق برای آینده است که وقت آن معلوم نیست. به عبارت و معنی دیگر انسان مال ثابت و موجود را به شرکت بیمه می پردازد در حالیکه شرک بیمه برای آینده غیر معلوم آنرا دوباره به صاحب آن طبق معاهده ای امضاء شده می پردازد. (دکتور بهی « نظام التأمین فی هدی أحكام الإسلام و ضرورت المجتمع المعاصر » ص : 42 - 44) .

علمای قدیم هر نوع قرار داد یا عقد که برای آینده معلق باشد نمی پذیرند و در بین علمای گذشته امام ابن تیمیه و ابن القیم این نوع عقد را جواز نمی دانند. (دکتور سلام مدکور « المدخل للفقہ الإسلامی » ص : 618) . (www.alukah.net/sharia/0/322400/) .

عدۀ از علمای اسلام عقد بیمه را به دلیل اینکه ممکن است انسان خود کشتی کند و یا ورثه بخاطر گرفتن مبلغ بزرگ مال شخص بیمه شده را به قتل برسانند منع می کنند .

دکتور عباس حسنی محمد در کتاب خود در فصل هفتم نظر مخالف و موافق فقهاء اسلام را در مورد بیمه به انواع مختلف آن به تفصیل می آورد نامبرده در مقدمه کتاب خود می نویسد :

در حقیقت امر ، فقه اسلامی تمام انواع بیمه را رد نمی کند و فقط بیمه های که در آن خطر شدید و سود باشد منع میکند .

فقهاء مذهب حنبلی بیمه را که بنام ضمانت یاد شده جواز می دانند و فقهای مذهب شافعی در این امر با حنبلی ها موافق اند و ضمانت اموال تجارتی که توسط بحر انتقال می شود آنرا جواز میدهند .

مدارس مختلف فقه اسلامی با روش های متفاوت از بیمه اجتماعی و تعاونی بین مردم حمایت می کنند و در این نوع بیمه خساره ای که مردم از اموال خود می بینند مفاد می گیرند . یعنی در بدل خساره سرمایه بیمه تضمین میکند که خساره را جبران میکند. بیمه های که دولت برای مامورین خود بعد از دست دادن وظیفه و یا در حالت مریضی میدهد نوع از انواع بیمه اجتماعی و تعاونی است که بین حکومت و مامورین عقد میشود .

تأسیس صندوق بین مؤسسات بزرگ تجارتي جهت دادن خساره برای تجار و یا آتش سوزی در فقه اسلامی جواز است . به همین ترتیب بیمه موتر و وسائل نقلیه و بیمه صحتی و بیمه عمارات و مراکز تجارتي در عصر حاضر یکی از ضرورت های جامعه است و فقه اسلامی در آن مانع نمی بیند .

بیمه حیات در صورتیکه گروهی از مردم در مورد آن با هم اتفاق کنند که در حالت مرگ یکی از مشترکین از صندوق برای ورثه اش پول داده میشود نوع از انواعی بیمه تعاونی و اجتماعی است که در آن مانع وجود ندارد . همچنان اگر مؤسسه یا شرکت سهامی به هدف بیمه حیات تشکیل شود و اعضاء آن هر کدام یک قسمت سهم را در آن داشته باشند یعنی هر کدام یک فیصدی را داشته باشد به همان اساس بعد از مرگ ورثه حق خود را دریافت می کند . در فقه اسلامی بیمه های اجتماعی و تعاونی یک امر قبول شده است و اگر بیمه ای اجتماعی که اسلام آنرا تأیید میکند در جامعه تطبیق عملی شود مسلمانان برای بیمه های تجارتي ضرورت احساس نمی کنند . (www.alukah.net/sharia/0/32864) . این

نظریه در کشور های اسلامی که شریعت اسلامی قانون آن باشد قابل تطبیق و اجراء است در حالیکه در کشور های غیر اسلامی تطبیق عملی ندارد به دلیل اینکه مسلمانان نمی توانند قانون اسلامی را در کشور های غیر اسلامی تطبیق نمایند .

شیخ عبدالوهاب خلاف در کتاب خود بنام « التأمین الاجتماعي فی الإسلام » می نویسد : هر ملت لازم است تا برای مشکلات غیر مترقبه آماده باشد . فقر ، مرض ، تقاعد و کبر سن و آفت های طبیعی که پیش میشود باید ملت برای علاج آن آماده باشد . برای این کار مهم بیمه های اجتماعی بهترین وسیله است و اسلام بیمه اجتماعی را تنظیم میکند . (مجلة كنوز الفرقان ، عدد هفتم سال سوم ، www.alukah.net/culture/0/47516/) .

مجمع فقهی سعودی تمام انواع بیمه را خلاف شریعت می داند و در فتوا که این مجمع بتاريخ سوم محرم 1422 هجری مطابق 27 مارچ 2001 میلادی صادر نمود تمام انواع بیمه بشمول بیمه صحتی را جواز نمی داند . (اسلام ویب ، مرکز الفتوی ، fatwa.islamweb.net/fatwa/indecx.php) .

تحریم بیمه در مملکت عربستان سعودی تا اندازه قابل قبول است زیرا دولت سعودی بیمه اجتماعی را تدوین کرده و باشندگان سعودی ضرورت و احتیاج به داشتن بیمه صحتی ندارند . اما این فتوا فعلا در کشور سعودی نیز تطبیق عملی ندارد و شرکت های بیمه تجارتي اموال تجارتي را در خارج از قلمرو سعودی بیمه میکنند و تجار سعودی از بیمه های خارجی استفاده می نمایند .

البته این روش و این نظریات در کشور های اسلامی که نظام آن اسلامی باشد و تحت اشغال خارجی نباشد قابل تطبیق و اجراء است و جای شک نیست که بهترین نمونه از بیمه در جهان است لیکن متأسفانه اکثر کشور های اسلامی فاقد نظام اسلامی اند و تمام معاملات تجارتي و اقتصادی باساس قوانین مدنی غرب اجراء می شود اما زندگی مسلمانان در کشور های غیر اسلامی که تابع قوانین مدنی غربی است بکلی متفاوت است و راه حل دیگر را باید برای حل مشکلات مسلمانان بحث و بررسی و جستجو نمود .

در بین محققین جوان رجاء بنت صالح باسودان در مسأله بیمه بحث جالب و مفید دارد و امید است بزبان دری و پشتو ترجمه شود . رجاء در بحث خود اولاً بیمه را از نظر اسلام تعریف و انواع آنرا به تفصیل شرح میدهد . او در بحث خود نظر مخالف و موافق بیمه را می آورد و در نهایت بین آراء موافق و مخالف رأی قوی را ذکر میکند و در نهایت بیمه اجتماعی که اسلام آنرا وضع کرده برای جامعه ای اسلامی مفید می داند . (الملتقى الفقهى —————
 . (fiqh.islammessage.com)

تاریخ بیمه :

بیمه در قرن چهارم میلادی برای شرکت های بحری در ایتالیا تأسیس شد و شرکت بیمه اموال تجارتي که توسط بحر انتقال میشد در مقابل مبلغ معین در بدل خساره های ناشی از طوفان و دزدان بحری بیمه می کرد بعداً بیمه حریق آتش سوزی بعد از آتش

سوزی لندن سال 1666 میلادی تشکیل شد و بعداً بیمه سرقت ، حوادث نقل هوایی و بیمه حیات بوجود آمد . (دکتور عیسی عبده «التأمین بین الحل و التحريم» ص : 17-18) .

در جهان اسلام بیمه در قرن بیستم معرفی شد و فقهاء اسلام در مورد بیمه نظریات فقیه را ذکر نکردند زیرا بیمه در جهان اسلام رواج نداشت و یک امر جدید بود . در تاریخ فقه اسلامی یگانه فقهی که در مورد بیمه بحث کرد فقهی حنفی « ابن عابدین » است . ابن عابدین به عدم جواز بیمه فتوا صادر کرد و در کتاب معروف خود بنام « رد المحتار علی الدر المختار » از موضوع بیمه یاد می کند . (رد المحتار علی الدر المختار ، جلد 4 ، ص : 170 ، موسوعة التراث الإلکترونیة) .

بیمه به هدف حفظ اموال تجارتي و ضمانت های دیگر تأسیس شد . اگر هدف از بیمه اشتراک عدّه در خساره باشد در این حالت اسلام قبل از اینکه بیمه تأسیس شود فکر همکاری و تعاون را بین مردم بوجود آورد .

بیمه حیات امروز در جوامع علمی و فقهی زیر بحث است و تا هنوز فیصله نهائی در مورد آن نشده است . مجامع علمی اسلامی در مورد انواع و اقسام مختلف بیمه بحث های جالب را به طبع رسانیده اند مثلاً :

1) بیمه در حالت وفات : این نوع بیمه آنستکه شرکت بیمه در مقابل مالی که شخص به بیمه در طول زندگی خود به شکل اقساط می پردازد ، البته با عقد و یا معاهده بین جانبین ، شرکت بیمه

بعد از وفات شخص به ورثه متوفی می پردازد. (دکتور شبیر « فقه العقود المالية » ص: 103 - 127).

2) نوع دوم بیمه قسمی است که شخص برای یک مدت معین و تعیین شده به شرکت بیمه پول میدهد و در سن معین و تعیین شده هر ماه مبلغ معین را دریافت میکند البته در حیات خود (دکتور محمد عثمان شبیر « المعاملات المالية المعاصرة فى الفقه الإسلامی » ، ص: 103).

3) بیمه مختلط یعنی مختلط بین قسم اول و دوم ، در این حالت شرکت بیمه برای شخص در سن معین یک مبلغ تعیین شده را می پردازد و بعد از وفات مبلغ تعیین شده را به ورثه او تسلیم می کند .

بیمه از حیث خصوصی و عموم به دو نوع تقسیم میشود :

1. بیمه فردی (خاص) : این نوع بیمه بین فرد و شرکت بیمه عقد میشود و شرکت بیمه در مقابل تعهد شخص به پرداخت یک مبلغ معین او را در مقابل خطر معین و مصلحت های دیگر بیمه میکند .

2. بیمه جماعی « تعاونی » این نوع بیمه بین مجموعی از مردم و یا گروه با شرکت بیمه عقد میشود و عموماً این نوع بیمه به هدف خطر جسمانی و مادی مثل مریضی ، سالمندی و بی کاری و ناتوانی عقد می گردد . میتوان بیمه های شرکت ها و مؤسسات بزرگ و امروز مساجد و انجمن ها را ضمن این نوع بیمه یاد کرد .

در انواع بیمه که فوقاً ذکر شد بین دانشمندان نظریات مخالف و موافق است. موجودیت نظریات و آراء مخالف و موافق انسان را جرأت می‌دهد تا در مورد بیمه بحث بیشتر نماید و از جانب دیگر نظریات و آراء مخالف و موافق معنی آن این است که حرمت کامل در میان نیست و اگر حرمت کامل و صریح وجود میداشت نظر موافق در مورد بیمه اصلاً وجود نمی‌داشت.

نظر مخالف نیز برای مصلحت است باین معنی که عدۀ از علمای مخالف خساره که برای شخص از ناحیه بیمه متوجه میشود میباشند. در فقه اسلامی نباید انسان خساره مند شود و فقهاء کوشش دارند تا مانع خساره برای فرد و جامعه شوند. عدۀ از دانشمندان عقد بیمه را به قمار قیاس میکنند و عدۀ دیگر بیمه را نوع از انواع سود (ربا) میدانند.

دکتره رجاء بنت صالح باسودان در کتاب خود بنام « التأمین دراسة فقهية مقارنة » دلیل هر دو طرف (موافق و مخالف) را بحث و مناقشه کرده می‌نویسد : قول کسانی که بیمه را منع می نمایند نسبت به قول کسانی که بیمه را جواز می دانند قویتر است او اضافه میکند که بیمه در حالت ضرورت جواز دارد مثل بیمه موترو صحت و فقر که امروز از ضروریات حیات بشمار می آید و دولت ها این نوع بیمه را اجباری ساخته اند . برای حل مشکلات مردم در عصر حاضر علمای قانون و فقه اسلامی بیمه تعاونی و اجتماعی را پیشنهاد می کنند . فقهای شریعت در مجمع فقه اسلامی رابطه عالم اسلامی بتاریخ 4/4 1397 هجری فیصله

کردند که بیمه تعاونی و اجتماعی در مقابل بیمه تجارتي جواز دارد. بیمه تعاونی شامل بیمه: تقاعد، مرض، ناتوانی و سالمندی، بیمه صحتی و غیره که دولت یا مؤسسه یک مبلغ را از معاش مامور به هدف بیمه ای تعاونی و اجتماعی می گیرد. (الملتقى الفقهی) (www.feqweb.com/vb) و بحوث - بنوک الأجنحة دراسة فقهية،
 .(212.138.117.22/events/coference/reseashe/.../res4.as...

نوت: برای تحقیق و بحث در موضوعات بیمه از نظر فکر اسلامی به مراجع ذیل مراجعه فرماید:

[Http://www.neelwafurat.com](http://www.neelwafurat.com) ، <http://www.kantakji.com>،
<http://www.startimes.com>

در موضوع عقد بیمه در فقه اسلامی و قانون مقارن مراجعه شود به:

(ستار تایمز، www.startimes.com/f.aspx?t=30848142) .

ضرورت های مسلمانان در کشور های غیر اسلامی و اثر آن در تغییر

فتوا:

مشکلات مسلمانان در جهان غرب با مشکلات شان در کشور های شرق اسلامی کاملاً تفاوت دارد و همچنان قوانین غربی در بسا موارد کاملاً با نظام اجتماعی اسلام متفاوت است. قوانین اسلامی برای جامعه اسلامی و قوانین مدنی غرب برای جامعه غربی است، نه بعضی قوانین اسلامی در غرب و نه بعضی قوانین غرب در جهان اسلام قابلیت تطبیق را دارد به دلیل اینکه قوانین شرعی برای جامعه ای اسلامی و قوانین مدنی غربی برای جامعه غرب است. اما باید خاطر نشان ساخت که بعضی قوانین غرب که

به اصول اساسی و اولیه اسلام مخالفت نداشته باشد مسلمانان
میتوانند از آن در ساختار و تدوین قوانین اقتباس نمایند .

علماء و فقهای معاصر و دانشمندان فکر اسلامی در موضوعات
معاصر تحقیقات بیشتر نموده اند و باید واضح باشد که علمای
معاصر در تحقیقات شان منابع و مراجع قدیم را اعتبار می دهند و
در مسائل معاصر از اقتباس کار می گیرند و همچنان تغییرات
جامعه و مشکلات مهاجرین مسلمان را در کشور های غربی که
فعلا جزء از جامعه غرب شده اند در نظر دارند و هدف از
اجتهادات معاصر حل مشکلات مسلمانان در غرب است . در این
قسمت نظریه علماء و فقهای معاصر را می آوریم و امید است مفید
باشد و جوانان عزیز ما از آن استفاده ای بیشتر کرده بتوانند .

علمای که بیمه را جواز می دانند باین عقیده اند :
بیمه یک عقد جدید است که در نصوص شریعت و اصول شرعی
مانع در آن نیست و در موضوعی که مانع صریح در شریعت نباشد
جواز آن صحت دارد و تا دلیل به حرمت نباشد ، حرمت نیست و
دلیلی که فقهاء و قانون دانان مسلمان در جواز بیمه می آورند از
مذهب حنفی در باب (بیع الوفاء) است .

علمای بزرگ جهان اسلام که عقد بیمه را جواز می دانند عبارت
اند از : استاذ مصطفی الزرقا و فضیلت استاذ عبدالرحمن عیسی
، استاذ محمد یوسف موسی و شیخ علی الخفیف رئیس قسم
شریعت پوهنهی حقوق . شیخ علی الخفیف در بحث خود که برای
کنفرانس دوم مجمع بحوث اسلامی آماده کرده بود می نویسد :
حکم بیمه در شریعت جواز دارد زیرا عقد بیمه کاملا جدید است و

مصلحت عمومی و خصوصی را بدون اینکه ضرر داشته باشد تحقق می بخشد. و در همین کنفرانس علماء در مورد جواز بیمه نظر دادند و دلیل شان این است که بیمه به مصلحت افراد و امور تجارته است و اصل در عقد مباح است و حرمت نیست مگر به نص صریح و بیمه یک ضرورت در جامعه معاصر است. (جامعه ایمان

www.jameataleman.org/main/articles.aspx?article_no=1

339).

علامه دکتور یوسف القرضاوی در موضوع بیمه می نویسد: در بین فقهاء هیچ فقیه نیست که بیمه را بشکل و صورت مطلق آن اجازه داده باشد. علمای که در مباح (جواز) بیمه نظر داده اند مشهورترین شان علامه شیخ مصطفی الزرقا میباشد. علامه الزرقا در مسأله بیمه کتاب بزرگ نوشت. بغیر از الزرقا، علمای بزرگ دیگر مانند شیخ خفیف رحمه الله و شیخ عبدالله بن زید المحمود که تحقیق بزرگ را تحت عنوان (أحكام التأمین، قوانی بیمه) به طبع رسانیدند. علمای که اجازه به گرفتن بیمه میدهند در حکم خود بیمه را به عقد قیاس می کنند و می گویند: **بیمه مانند عقد است.**

شرکت های بیمه عموماً به سود معامله دارند و از ضرورت و احتیاج مردم سوء استفاده می نمایند و دائماً قیمت بیمه را اضافه می کنند. گروهی که معامله کردن با شرکت های بیمه و بیمه کردن را جواز میدانند باین عقیده اند که بیمه یک عقد است و در آن حرج نیست. گروهی بیمه بالای اموال تجارته و بیمه حیات را منع می نمایند و من از جمله آنها هستم، بیمه بالای اموال و املاک نزدیک به حلال است.

در کنفرانس لیبیا در سال 1972 موضوعاتی که بحث شد یکی آن بیمه بود و همه مشترکین باین نظر بودند که بیمه حیات صحت نداشته لیکن بیمه املاک در عصر حاضر جواز دارد تا زمانی که بدیل اسلامی برای آن آماده شود و بدیل اسلامی (بیمه تعاونی) است . (سایت القرضاوی: یکشنبه 16 فبروری 2014) .

حال لازم است تا نظریات علمای اسلامی را در موضوعات بیمه و مسائل اقتصادی معاصر بررسی نمائیم و ببینیم که چه نظریات جدید را با اجتهادات جدید در روشنی واقعیتهای زندگی معاصر مسلمانان خصوصا مسلمانانیکه در غرب زندگی دارند پیش می نمایند . برای اینکه محققین جوان بیشتر تحقیقات نمایند نظریات متفاوت را می آوریم و بعدا نظر که رجحت بیشتر دارد آنرا مورد بررسی و تحقیق قرار می دهیم .

حکم شریعت اسلامی در موضوع بیمه حیات :

علامه شیخ مصطفی الزرقا در مورد سؤالات مسلمانان در مورد بیمه و خصوصا بیمه حیات این جواب را میدهد :

در جواب سؤال شما که حکم شریعت اسلامی در موضوع بیمه و خصوصا بیمه حیات که آیا تحت حکم (عقد الهبة المعوضة) می آید ؟ باید گفت :

نظام بیمه در اصل خود (بقطع نظر از تمام اشکال بیمه های خاص که بین شرکت بیمه و بعضی کسانی که بیمه میکنند بشروط معین بین شرکت های بیمه و کسانی که خود را بیمه میکنند متفاوت است) از نظر ما یک نظام تعاملی بوده که هدف از آن همکاری و تعاون میباشد

و شرعا جائز است چه این بیمه در اموال باشد و یا در حیات و بصورت عقد صورت بگیرد و عقد (عقد یعنی معاهده و یا اتفاقیه) موضوع بیمه یک موضوع جدید است و در نظر ما مانع شرعی در صحت آن به دودلیل نیست:

- 1- شریعت اسلامی ما را از عقد جدید در موضوعات جدید منع نمی کند .
- 2- عقد بیمه در بعضی عقود (زمانها گذشته) قدیم مشروع بود .

رأی شرعی صحیح در نظر ما آنست که : بیمه یک نوع عقد جدید از انواع عقود می باشد و یک عمل تعاونی را تحقق می بخشد و مقید به شرائط عمومی شریعت در نظام عقد است . از نظر ما در شرائط عمومی در انعقاد عقد و صحت آن چیزی نیست که سبب ممانعت آن شود . بیمه حیات را بعضی درست نفهمیده اند ، مقصد از بیمه حیات تضمین بقای حیات نیست بلکه یک نوع عقد می باشد که در مقابل آن انسان و یا خانواده اش بعد از مرگ از بیمه مقداری پول دریافت می نمایند .

خریدن بیمه حیات

شیخ جامع الازهر جواب میدهد :

مسأله خریدن بیمه حیات را در قواعد شریعت مطالعه نمودیم به این نتیجه رسیدیم که :

اول : قواعد شریعت اسلامی و احکام آن اجازه نمی دهد هیچکس ضمانت مال غیر را به مثل آن و به قیمت آن بکند مگر اینکه تسلط یافته باشد بدون حق و یا اینکه استفاده از آنرا بطریقت مستقیم نماید .

تضمین کردن زندگی توسط شرکت های بیمه این هدف را تحقق نمی بخشد .

دوم: در حقیقت بیمه حیات، برای تضمین حیات است و شرعا ضمانت در حیات نیست.

سوم: در وقت قرار داد بیمه حیات هیچ طرف در وقت امضای قرارداد نمی داند که چه وقت بیمه حیات داده د و چه وقت گرفته میشود. در این حالت نوعی از ضرر و خطر متوجه می باشد و هیچ قرار داد به این معنی در اسلام نیست.

بیمه حیات از جمله قرار داد های غیر تعاونی بوده و از جمله قرار داد های است که مخاطره و بی احتیاطی در آن متصور می باشد لذا بنام قرار داد فاسد یا میشود که در باره آن حدیث شریف که الترمذی روایت نموده که مسلمانان با هر شرط میتوانند باشند بغیر از شرطیکه حرام سازد حلال را. (صحیح الترمذی جلد 7 صفحات: 103 و 104 در باب الصلح) و این حدیث مبارک در مورد بیمه حیات صدق می کند .

حکم عقد بیمه :

شیخ مصطفی الزرقا جواب میدهد :

عقد بیمه در نصوص قدیم و در نزد فقهای گذشته حکم آن نیست زیرا در زمان شان بیمه وجود نداشت و بیمه در سالهای اخیر در کشورهای غربی تأسیس و قابل استفاده می باشد .

یگانه فقیه که در موضوع بیمه تحقیق و بحث نموده شیخ ابن عابدین رحمه الله می باشد. او در حاشیه خود بنام (**رد المختار**) در فصل استئمان الکافر من باب المستأمن من کتاب الجهاد 3 / 249 (طبعه البولاقیة الأولى) نظریات فقهی را آورده و در نتیجه باین حکم رسیده است که جواز ندارد عقد بیمه که بنام (**التأمین**) یاد میشود در کشور های ما (کشور های اسلامی) بین تجار حربی (یعنی غیر مسلمان و از غیر اهل ذمه) که در بلاد اسلام مقیم اند و بین مسلمانانیکه در دارالاسلام زندگانی دارند و برای مسلمان حلال نیست که با غیر مسلمانیکه با امن در بلاد مسلمین داخل شده آن عقدی را بکند که خلاف عقود اسلامی باشد.

لیکن ما باین نتیجه رسیدیم که خلاف نظریه ابن عابدین می باشد. (شیخ الزرقا دلائل فقهی زیادی را برای اثبات قول خود می آورد که در این ترجمه امکان آوردن همه نصوص فقهی آن نیست).

عقد بیمه امروز یکی از ضروریات تجارت است و اگر در نصوص قدیم در یک موضوع روشنی را می بینیم و یا مخرجی را درمی یابیم باید از آن عبور کنیم و به دلائل مشکل اکتفاء نکنیم و در امور روزمره آن اسلوب فقهی را اتخاذ نمائیم (بگیریم) که در ظاهر مفاد و مفسد نباشد. در نصوص قدیم جواز ضمانت خطر راه وجود دارد و این خطر در عصر حاضر بیشتر نسبت به گذشته می باشد.

عقد بیمه یک معامله جدید است یا به عبارت دیگر یک مسأله است که در سابق موجود نبود لذا باید به اساس قاعده مصلحت مطالعه شود. مصلحت در قرن پنجم هجری یگانه دلیل در نزد فقها در تخریح (استخراج احکام) (بیع الوفاء) بود.

بدون شک عقد بیمه امروز یک ضرورت حتمی در امور تجارت است. در نتیجه سرعت در وسایل نقلیه مثل کشتی های تجارتي و طياره ها و ريل خطر نيز زيادتر شده و در بعضی از اين خطر ها ثروت و سرمايه های زياد به هلاکت و تلف ميرسد پس برای حفظ سرمايه عقد بیمه در معاملات تجارتي یک نوع امنيت و ضمانت است و در خساره وارده همه مشترکين در شرکت بیمه حصه می گیرند . عقد بیمه نزدیک به عقد تعاونی می باشد . نظر به خطرات وارده و جلب مصلحت ، عقد بیمه معامله با سود نبوده بلکه یک فکر تعاونی است و ضرر را جبران میکند لذا در شريعت نص موجود نيست که عقد آنرا مانع شود .

باساس نظريه مصلحت ، که در فقه اسلامي اهميت فوق العاده را از صدر اسلام تا امروز دارد . در عصر حاضر مصلحت نظر به مشکلات در امور زندگي نه تنها در کشور های غير اسلامي بلکه در کشور های اسلامي نيز اهميت بيشتري را دارد . همچنان نظر به اساس ضرورتها ، بیمه در تمام امور زندگي یک ضرورت و احتياج میباشد لذا نظر به قاعده ضرورت ميتوان از آن استفاده نمود . (تا اینجا نظريات علامه الزرقا بود) .

مشکل بعضی از مردم در فهم بیمه حیات است . بیمه حیات معنی آن قسمیکه در نظريات فقهاء ملاحظه نمودیم معنی آن این نیست که بیمه تضمین می کند که انسان نمی میرد برعکس بیمه در مقابل اشتراک انسان در یک مؤسسه تعاونی تعهد میکند که بعد از مرگ این مقدار از مال را نصیب می شود . اگر چه حکم قاطع در مورد آن نیست لیکن ممانعت جدی نیز از آن تا امروز نشده است .

بیمه با تمام اشکال آن در جهان غرب تقریباً یک ضرورت و احتیاج است و انسان نمیتواند بدون آن به زندگی خود ادامه بدهد لذا باید نسبت به بیمه از باب ضرورت و احتیاج دید.

انسان قبل از گرفتن هر نوع بیمه لازم است قوانین آنرا بدقت مطالعه نماید و بهتر آن است که با شخص مسئول و متخصص در شئون بیمه مشوره شود و لازم است نظر اسلام را نیز مطالعه کرد و بعد از مطالعه و مشوره و درک مصلحت بدون ضرر به مقصد شریعت انسان میتواند با شرکت های بیمه معامله نماید. امروز الحمد لله جوانان افغان تعلیمات عالی در تخصصات بیمه دارند و دفتر های بیمه افغانی تأسیس شده میتوانیم با افغان خود مشوره نمائیم و بهتر این خواهد بود تا در صورت گرفتن بیمه مؤسسات اسلامی و افغانی را تقویت نمائیم.

خاتمه :

عقد بیمه یکی از ضروریات معاصر در جوامع غربی است و در اصول شرعی تا مانع و حرمت به نصح قاطع در یک موضوع نباشد حکم جواز آن بیشتر از منع آن است. مساجد افغانی خصوصاً در امریکا مشکلات زیاد را مواجه اند و اگر در قوانین قبرستان تجدید نظر نشود و راه حل که به مصلحت افغانها است جستجو نشود برنامه های اجتماعی مساجد متوقف می شود و مشکلات جامعه ای افغانی در

آینده بیشتر خواهد شد. از اداره های مساجد و مشاورین شان و همچنان از انجمن های افغانی و دانشمندان خصوصا علمای کرام دعوت می شود تا این تحقیق را بدقت مطالعه نمایند و نقاط ضعف آنرا اصلاح نمایند تا از نقاط مثبت و مفید آن استفاده شود. انجمن های افغانی و مساجد و اداره قبرستان درمورد بیمه قبرستان مطالعات بیشتر نمایند و قابل ملاحظه است که نظام قبرستان مساجد افغانی که واقعا یک برنامه ای بسیار مفید و یک بیمه اجتماعی و تعاونی است و برای یک وقت معین و در شرائط خاص بود هیچ تفاوت از اصل بیمه ندارد و مساجد می توانند با استفاده از امکانات این کشور در کار های خود تجدید نظر نمایند. بیمه قبرستان برای طویل المدت به نفع جامعه افغانی و مساجد است، پس چرا از آن استفاده خوب صورت نگیرد.

شرایط زندگی مسلمانان در جهان غرب بعد از واقعات یازدهم سپتمبر و از همه مهمتر ترقی و پیشرفت احزاب افراطی دست راستی در غرب و حتی امریکا زندگی را برای مسلمانان مشکلتر ساخته است. در تحت شرایط خاص سیاسی و اجتماعی مراکز اسلامی و مساجد باید و حتما تمام بیمه ها را داشته باشند در غیر آن به مشکلات بزرگ مواجه می شوند. بطور مثال اگر یکی از مریضان روانی در وقت نماز بالای یکی از مساجد حمله کند و چند نفر حیات خود را از دست بدهند در این حالت ادارات مساجد از کدام راه تعویض لازمه را می پردازند. و یا اگر مسئولین مساجد از طرف دولت و مؤسسات امنیتی و حتی انجمن های غیر افغانی به محاکم کشانیده شوند مصارف گزاف از کدام بودجه پرداخته خواهد شد.

مساجد افغانی در کالفرنیا بطور عموم عضویت شورای عالی مساجد کالفرنیا را ندارند و حتی در فکر عضویت آن نیز نیستند. مراکز اسلامی و خصوصاً مساجد از هر وقت دیگر امروز به نزدیکی و همکاری با یکدیگر ضرورت دارند و مثل است که اگر گوسفند از رمه جدا شود گرگ او را می خورد.

متأسفانه مسئولین ادارات و حتی انجمن های اجتماعی و فرهنگی افغانی مسائل را سطحی فکر میکنند و پلانهای طویل المدت را ندارند. مشکلات و نواقص را از مرحله که گرفت به نفع جامعه است و امید است مسئولین مساجد و مراکز اسلامی و مکاتب و انجمن های فرهنگی و سیاسی و مؤسسات افغانی این تحقیق را بدقت مطالعه فرمایند. انجمن فقه اسلامی و انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم امریکا (آمو) با کمال افتخار در خدمت مؤسسات و مساجد افغانی است و هر مشوره که لازم باشد - چه مشوره در امور فقهی و قانون مدنی غربی - میتواند به این دو انجمن مراجعه فرماید و ما سؤالات شما را به علمای جلیل القدر و وکلاء در انجمن کیهر که مجانی است ارسال می داریم.

پیشنهادها اخیر این است که از تجربه های مؤسسات بیمه و متخصصین مسلمان و افغانی باید استفاده شود و قبل از اینکه فرصت مناسب را از دست داد در برنامه های اجتماعی خود تجدید نظر نماییم. یکی از این مؤسسات (نوری انشورنس) به ریاست برادر محترم عبدالقادر نوری در فریمونت است. آقای عبدالقادر نوری و عده هر نوع همکاری را برای افغانان در قسمت معرفی بیمه میدهد.

نوری انشورنس مصارف طبع این رساله را به نیت صدقه جاریه و خدمت به جامعهٔ افغانی پرداخته است خداوند برای برادر عزیز ما نوری و خانوادهٔ گرامی شان اجر دارین را نصیب کند آمین یا رب العالمین .

این قسمت را دفتر نوری انشورنس تهیه و ترتیب نموده است

Quality of life Insurance

کوالیتی آف لایف انشورنس ، یکی از برنامه های جدید بیمه میباشد . این نوع بیمه برای استفاده بعد از مرگ نیست بلکه برای استفاده در زندگی روزمره میباشد . کوالیتی آف لایف انشورنس تضمین زندگی بهتر را برای مشترکین خود وعده میدهد و انسان در مقابل پرداخت مبلغ تعیین شده و بعد از موافقه بین شخص و مؤسسه بیمه از امتیازات آن در زندگی خود خصوصا در سن پیری استفاده خوب کرده میتواند .

یکی از مهمترین موضوع در این بیمه ناتوانی از کار کردن است و در این حالت بیمه مصارف انسان را می پردازد . من اساسات این بیمه را مطالعه نمودم و دانستم که در غرب یک مسأله حیاتی است و اگر جامعه افغانی در امریکا بصورت مجموع و مشترک و خصوصا از طریق انجمن ها و مساجد در مورد آن دقت بیشتر نمایند و مشترکا با بیمه معامله نمایند در این صورت با پرداخت مبلغ بسیار بسیط می توان استفاده بیشتر نمود .

بطور مثال Living Benefits شامل واقعات ذیل میباشد :

فلج دماغی ، غذا خوردن ، لباس پوشیدن ، سرطان ، سکتۀ مغزی، غسل دندان ، فلج ، تداوم ، عوض کردن عضوبدن .

